

آموزش زبان عربی بر مبنای اصول روان‌شناختی

محمدعلی کاظمی تبار^۱

چکیده:

یکی از موضوعات بسیار حیاتی در آموزش زبان‌های خارجی، توجه به ابعاد روان‌شناختی آن است؛ زیرا بین زبان و تفکر از یکسو و ابعاد روحی روانی انسان از سوی دیگر، پیوندی عمیق و ناگسستی وجود دارد. از همین رو نادیده گرفتن مبانی روان‌شناختی آموزش زبان یا بی‌توجهی به آن، فرایند یاددهی-یادگیری را با چالش‌های فراوان روبه‌رو می‌کند. هدف از انجام این پژوهش که به روش تحلیلی توصیفی انجام شد، تبیین میزان تأثیر توجه به ابعاد روحی روانی فراگیران در تسهیل امر آموزش زبان است. نتایج و یافته‌های پژوهش پیش رو نشان داد که توجه به دو بُعد استراتژیک زبان، یعنی الگوبرداری و ممارست. در نظر گرفتن ابعاد روانی عاطفی زبان‌آموزان، یعنی انگیزه‌ها و نگرش‌ها و توجه به بُعد شخصیت، یعنی توجه نمودن به تفاوت‌های فردی و مراعات سن فراگیران و به تبع آن شناخت راهکارهای مناسب به هنگام روبرو شدن با تفاوت‌های فردی، کمک شایانی به آموزش فعال و عمیق زبان عربی نموده و سبب می‌شود فرایند یاددهی-یادگیری با شادابی و نشاط کافی و درست، اجرا شود، از همین رو ضرورت دارد قبل از آغاز فرایند آموزش، به انگیزه‌های افراد، نگرش آنان به زبان عربی و میزان توانایی و استعداد آنها توجه شود. همچنان که بایسته است از روش‌های متنوع آموزشی متناسب با فراگیران و تمارین و تکالیف گوناگون استفاده شود و راهکارهای پیشنهادی مربوط به تفاوت‌های فردی نیز، مطالعه و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: اصول روان‌شناختی، انگیزه، نگرش، تفاوت‌های فردی

^۱ - استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۱- مقدمه

بی‌تردید، میان زبان و ابعاد روحی روانی انسان، رابطه‌ای ناگسستنی و پیوندی عمیق و ریشه‌دار وجود دارد؛ زیرا هیچ‌یک از فعالیت‌های عقلانی، منطقی و روحی روانی انسان، بدون زبان، جامه تحقق نمی‌پوشد. برای نمونه فرایند اندیشیدن بدون زبان حاصل نمی‌شود. تنها از راه زبان است که می‌توانیم اندیشه‌های خود را به دیگران منتقل کنیم و از اندیشه‌های آنان باخبر شویم. «زبان ابزار انجام این فرایند و وسیله‌ای برای ابراز و انتشار نتیجه و ثمره آن است». (احمد منصور، ۱۹۸۲: ۱۰۳)

بنابراین رشد عقلانی و پیشرفت فکری انسان، شانه‌به‌شانه و پابه‌پای رشد زبانی او حرکت می‌کند؛ زیرا قدرت تفکر و نیروی اندیشه که نمایانگر رشد فکری و بیان‌گر میزان پیشرفت عقلانی انسان است تا حد قابل ملاحظه‌ای، متکی به زبان است، به طوری که زبان، وسیله و ابزار اندیشیدن است و علاوه بر این واژگان و تعاریفی را در اختیار این نیروی درونی و خداداد بشر قرار می‌دهد که از آن استفاده نموده و در آن واحد، به آن استناد می‌کند.

وجود چنین رابطه محکم و پیوند عمیق میان زبان و ابعاد عقلانی- روانی انسان، اقتضا می‌کند در آموزش زبان و آموختن آن که برجسته‌ترین و بارزترین فعالیت انسان در جهت تقویت رابطه میان انسان و زبان است، انگیزه‌ها و عوامل روحی روانی، در کنار عوامل زبانی و آموزشی، مورد توجه قرار گرفته و همواره مد نظر باشد و البته زبان عربی نیز، به‌عنوان یک زبان خارجی، از این امر مستثنا نیست.

۲- سؤال تحقیق: یکی از مسائل و مشکلات یادگیری زبان عربی که آموختن آن را برای فراگیران و

توسعه و گسترش آن را برای جامعه اسلامی ایرانی ما، دشوار نموده است، بی‌توجهی و نادیده گرفتن ابعاد روانی عاطفی و مبانی روان‌شناختی آن است، از همین رو در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که مبانی و اصول روان‌شناختی آموزش زبان عربی چیست؟ و چگونه می‌توان این اصول را رعایت کرد تا آموزش زبان عربی، بهتر و آسان‌تر انجام شود.

به همین منظور در این پژوهش به بررسی مهم‌ترین ابعاد روان‌شناختی که توجه به آن و رعایت آن در یادگیری، آموزش و توسعه زبان عربی، نقش ویژه و ممتازی دارد، می‌پردازیم تا بتوانیم گامی در جهت کاهش مشکلات و موانع موجود بر سر راه آموزش و یادگیری زبان عربی، به‌عنوان زبان قرآن و یکی از شش زبان زنده و رسمی جهان، برداریم و علاقه‌مندان به این زبان، علاوه بر بهره‌گیری بیشتر و بهتر از قرآن و دیگر منابع اصیل و غنی دینی، بتوانند با استفاده کاربردی و درست از زبان عربی، در جهت اشتغال‌زایی و توسعه گردشگری گام بردارند.

۳- پیشینه پژوهش: درزمینه‌ی موضوع موردبحث، یکی از پژوهش‌های انجام شده کتابی به نام «مبانی نظری روان‌شناختی و زبان‌شناختی تفکر و زبان» تألیف افسانه توحیدی عضو هیأت‌علمی دانشگاه شهیدباهنر کرمان است که این موضوع را به شکل کلی بررسی نموده و بیشتر به آموزش زبان انگلیسی پرداخته است. همچنین مقاله «رابطه زبان و تفکر، ویژگی‌های روان‌شناختی آموزش زبان، زبان و یادگیری» در سایت مجله «آموزش مبانی زبان فارسی» متعلق به خانم کیوان دخت بسحاق، برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی آموزش زبان را بیان کرده است. علاوه بر این مقاله «الأسس اللغویة لبناء منهج تعليم اللغة العربیة للناطقین بغیرها» که توسط دکتر نصرالدین ادریس جوهر، تألیف و در سایت مجله «لسان عربی» در دسترس است، به موضوع مبانی زبان‌شناسی در تدوین الگوی آموزش زبان عربی پرداخته و با طرح شباهت‌ها و تفاوت‌های یادگیری زبان اول و دوم، به شکل غیرمستقیم به این موضوع پرداخته است.

تفاوت عمده پژوهش حاضر با تحقیقات ذکر شده در این است که در این پژوهش، مبانی روان‌شناختی آموزش زبان عربی و توجه به ابعاد روانی عاطفی اثرگذار در فرایند یاددهی-یادگیری این زبان به شکل مستقیم و مستقل مورد بررسی قرار گرفته و به ارائه راهکارهای مناسب جهت برخورد با تفاوت‌های فردی زبان‌آموزان و توجه به انگیزه‌ها و نگرش‌های آنان پرداخته شده است که می‌تواند برای دست‌اندرکاران آموزش زبان عربی بسیار مفید و موثر باشد.

۴- اصول و ابعاد روان‌شناختی آموزش زبان عربی:

توجه به جنبه‌ها و ابعاد روان‌شناختی آموزش زبان عربی به‌عنوان یک زبان خارجی، در فرایند تدوین برنامه درسی این زبان بر پایه‌های روحی روانی، نهفته و پوشیده است که می‌توان آن را، این‌گونه تعریف نمود: مجموعه‌ای از مفاهیم، حقایق و اصول به‌دست‌آمده از نتایج روان‌شناسی مرتبط با یادگیری و آموزش زبان، از قبیل رابطه بین کسب زبان اول و یادگیری زبان دوم، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها، عوامل فردی و نقش آن‌ها در یادگیری زبان دوم. (طعیمه، ۱۹۸۹: ۷۵)

آنچه از این مبانی و اصول روشن می‌شود این است که رعایت جوانب و ابعاد زیر در آموزش زبان عربی و کاربست آن‌ها، امری لازم و ضروری است:

۴-۱- **بُعد مهم و استراتژیک زبان:** این بُعد، یکی از جنبه‌ها و عوامل ضروری برای آموزش زبان عربی است؛ زیرا به مسئله انگیزه روی آوردن فراگیر به یادگیری زبان عربی، ارتباط دارد و شامل دو استراتژی مهم است:

۴-۱-۱- **استراتژی الگوبرداری:** الگوبرداری و تقلید، یکی از ابعاد مهم و اساسی در فرایند یادگیری زبان است. برطبق نظریه شناختی اجتماعی بندورا انسان‌ها از راه مشاهده انسان‌های دیگر می‌آموزند. در یادگیری مشاهده‌ای، چند عامل یا متغیر اثرگذارند که عبارتند از: فرایند توجه، فرایندهای یادداری یا به یاد سپاری، فرایند تولید رفتاری، فرایندهای انگیزشی، علت رفتار و خودنظم دهی رفتار. (سیف، ۱۳۸۶: ۲۱۴)

پژوهش‌ها، ثابت کرده‌اند صداهایی که از دهان کودک خارج می‌شود در زمانی که او مشغول کسب و یادگیری زبان نخست (مادری) است و نیز کلماتی که تکرار می‌کند، حاصل شنیده‌های او از محیط پیرامونی‌اش است و کودک آن صداها و کلمات را، همان‌گونه شنیده است، تکرار و تقلید می‌کند. (طعیمه، ۱۹۸۹: ۷۵) این امر دقیقاً در مورد کسی که در پی یادگیری زبان عربی، به‌عنوان یک زبان خارجی است، نیز صدق می‌کند؛ زیرا الگوبرداری او را به‌طورقطع و یقین در یادگیری زبان، کمک

می‌کند و این، همان تاکتیک یا استراتژی است که باید در آموزش زبان عربی، رعایت شود. بدین معنی که معلم زبان عربی باید روشی را به کار گیرد که امکان و فرصت الگوبرداری از صداها، آواها، کلمات، جملات و عبارتهای عربی را برای دانش‌آموزان فراهم سازد. البته این امر، زمینه‌سازی لازم از سوی مسئولان ذی‌ربط در وزارت آموزش و پرورش و دفتر تألیف کتب درسی و واحد تهیه وسایل و ابزار کمک‌آموزشی را نیز می‌طلبد؛ زیرا قبل از هر چیز، لازم است برنامه درسی از نظر زمانی به‌گونه‌ای تنظیم شود که فرصت لازم برای انجام این امور در کلاس و مدرسه برای معلم و دانش‌آموزان فراهم باشد. علاوه بر این ابزار لازم، از قبیل فیلم‌ها، فایل‌های صوتی و تصویری و نرم‌افزارهای آموزشی لازم در اختیار آنان قرار گیرد و افزون بر آن، معلم بتواند هرازگاهی کلاس درسش را به شکل عملی، در محیطی که عرب‌زبانان حضور دارند، برگزار نماید. ناگفته نماند که در کنار همه این موارد، ضرورت دارد معلم یا استاد، توانایی لازم در زمینه‌ی مهارت‌های چهارگانه زبانی، یعنی شنیدن، خواندن، درک مطلب و صحبت کردن را داشته باشد.

۴-۱-۲- **استراتژی تمرین و ممارست:** در کنار راهکار اول، یعنی الگوبرداری و تقلید، موضوع تمرین و ممارست نیز، یکی از استراتژی‌های بسیار مهم در امر یادگیری زبان و تقویت و تثبیت آن است؛ زیرا مطالعات و بررسی‌های مربوط به یادگیری زبان اولیه، نشان می‌دهد کودک در مراحل آغازین، بارها و بارها آنچه را می‌شنود، تکرار می‌کند و از تکرار صداها، کلمات و جملاتی که بر زبان جاری می‌سازد، لذت می‌برد. (طعیمه، ۱۹۸۹: ۷۵)

این امر در مورد فراگیر زبان عربی نیز مانند هر زبان خارجی دیگر، مصداق دارد؛ زیرا تمرین و ممارست، امری است که به تعمیق و تثبیت یادگیری کمک فراوان می‌کند و به همین جهت است که پیشینیان گفته‌اند: «الدّرسُ حرفٌ و التکرارُ ألفٌ». گرچه ذکر واژه الف، به معنی هزار، در این عبارت، به‌منظور جور شدن حرف آخر واژه و تناسب در وزن و آهنگ بوده، اما هدف نهایی، تأکید بر اصل تکرار و تمرین در آموزش است که البته در مورد یادگیری زبان‌ها، ضرورتش دوچندان است.

بنابراین وظیفه و راهبرد معلم در این زمینه، این است که به فراگیران فرصت لازم و کافی برای تمرین و تکرار را بدهد و به اشکال مختلف آنان را به این سمت، سوق دهد. بی‌شک، چنانچه معلم به‌ضرورت این اصل واقف نباشد یا به دلیل حجم انبوه مطالب و کمبود زمان، از کنار درس‌ها به‌سرعت عبور کند، یادگیری درست و واقعی، صورت نمی‌گیرد و نتیجه آن می‌شود که می‌بینیم. البته این بدان معنا نیست که تمرین و تکرار باید فقط در محیط آموزشی انجام شود، بلکه علاوه بر آن، معلم باید طراحی واحد یادگیری را به‌گونه‌ای انجام دهد که فراگیران در بیرون از محیط آموزشی نیز این تمرین و ممارست را انجام دهند.

۴-۲- بُعد روانی عاطفی: رعایت بُعد روانی عاطفی نیز به همان اندازه بُعد استراتژیک، اهمیت و ضرورت دارد و تأثیر بسزایی در یادگیری زبان برجای می‌گذارد. مهم‌ترین ویژگی‌های روانی مؤثر در آموزش زبان، به شرح زیر است:

۴-۲-۱- انگیزه: انگیزش عامل فعال‌ساز رفتار انسانی است. انگیزش فرایندی است که رفتار هدف‌گر از طریق آن راه‌اندازی و نگهداری می‌شود. (فرانکن، ۱۳۸۴). انگیزه اصطلاحی است که غالباً با انگیزش مترادف بکار می‌رود. حال آنکه می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش به‌عنوان حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتار معین می‌شود تعریف کرد. انگیزه^۱ عامل روانی بسیار نیرومندی است که فرد را به انجام کار و تلاش برای رسیدن به هدف موردنظر وامی‌دارد و جزو مؤثرترین عوامل روحی روانی در فرایند آموزش است، از همین رو «در امر یادگیری زبان خارجی نیز، انگیزه، عاملی بسیار اثرگذار در روند موفقیت زبان‌آموز، به شمار می‌آید.» (الخولی، ۱۹۸۲: ۲۷)

شعاری نژاد بین انگیزه و محرک، تمایز قابل می‌شود و می‌نویسد: مجموعه علل و عوامل رفتار را در صورتی که درونی باشند، یعنی از درون شخص آغاز شوند، انگیزه و اگر بیرونی باشند، یعنی خارج

از وجود شخص، محرک نامند» (شعاری نژاد، ۱۳۶۸: ۱۱۷). این تمایز را به شکل دیگری، تحت عناوین انگیزه‌های اولیه و ثانویه یا درونی و بیرونی نیز وصف کرده‌اند. با این وصف عواملی مانند تحسین، چشم و هم‌چشمی، پاداش و تنبیه محرک یا انگیزه‌های خارجی محسوب می‌شوند. به عوامل دیگری مانند نیاز به‌قدر و منزلت، تعالی خویشتن و عزت‌نفس، می‌توان انگیزه اطلاق کرد.

بنابراین یکی از عوامل و دلایل مهم در یادگیری زبان اول (مادری) توسط کودک، همین انگیزه است؛ زیرا پدر و مادر با شنیدن صداها، کلمات و جملاتی که از دهان کودک بیرون می‌آید، بلافاصله و به‌موقع واکنش مثبت نشان می‌دهند و علاوه بر ابراز شادی و خوشحالی خود به خاطر کلمات و جملات کودک، وی را به ادامه این امر تشویق می‌کنند. برایش دست می‌زنند، او را می‌بوسند و به‌انحاء مختلف و تکرار صداها و کلمات، وی را به ادامه فعالیتش، ترغیب می‌نمایند. بدیهی است برای یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی نیز، فرد باید انگیزه لازم برای یادگیری را داشته باشد. اهمیت این موضوع و میزان اثرگذاری این عامل روانی در یادگیری زبان خارجی تا حدی است که «کارشناسان و خبرگان آموزش زبان عربی، معتقدند هیچ زبان‌آموز غیر عرب‌زبانی تا زمانی که انگیزه و رغبت لازم برای یادگیری زبان عربی را نداشته باشد، از عهده یادگیری این زبان، برنمی‌آید؛ زیرا تنها انگیزه است که فرد را وامی‌دارد تمام تلاش فکری و جسمی خویش را، معطوفِ خوب آموختن زبان نماید.» (إسماعیل، بی‌تا: ۲۸) از همین رو باید گفت نخستین وظیفه معلم یا استاد عربی، ایجاد انگیزه لازم برای آموختن زبان عربی در زبان‌آموزان است و بدون پرداختن به این امر، فرایند یاددهی - یادگیری، به سرانجام مطلوب نمی‌رسد.

برای غیرعرب‌زبانان دو نوع انگیزه وجود دارد که آن‌ها را به یادگیری زبان عربی، ترغیب و تشویق می‌نماید:

«۱- انگیزه‌های ابزاری^۱. ۲- انگیزه‌های تعالی‌بخش^۱. منظور از انگیزه‌های ابزاری، محرک‌هایی موقتی است که فرد را برای رفع نیازهای کوتاه‌مدتش به سمت یادگیری زبان عربی سوق می‌دهد، مانند پر

کردن اوقات فراغت، سیاحت و جهانگردی، استفاده از فرصت مطالعاتی، دستیابی به مدرک علمی، کسب مهارت برای برقراری ارتباط از طریق نوشتن یا انجام شعائر دینی‌ای که ادای آن به زبان عربی، ضرورت دارد؛ اما انگیزه‌های تعالی‌بخش، انگیزه‌هایی است که فراگیران به‌منظور تحقق اهدافی مهم، از قبیل ارتباط با عرب‌زبانان، تمرین و ممارست با زبان آنان و فهم فرهنگ و سنت آن‌ها به آموختن زبان عربی، ترغیب می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده است کسانی که انگیزه‌های تعالی‌بخش دارند، در یادگیری زبان عربی نسبت به افرادی که انگیزه‌های ابزاری دارند، موفق‌ترند. (طعیمه، ۱۹۸۹: ۸۱)

البته این تقسیم‌بندی، اشکال و اسامی دیگری نیز دارد، برای مثال، انگیزه‌ها را به دو نوع: انگیزه‌های منفعتی یا شخصی و انگیزه‌های تعالی‌بخش نیز تقسیم کرده‌اند که تفاوت اساسی با تقسیم‌بندی قبلی ندارد؛ زیرا مراد از انگیزه‌های منفعتی یا سودآور، همان انگیزه‌های ابزاری است. (داگلاس، ۱۹۹۴: ۱۴۵) اما عده‌ای دیگر از محققان، نوع سوم از انگیزه، به نام انگیزه ورودی یا انگیزه تعلق خاطر را مطرح نموده‌اند. منظور از انگیزه یادشده این است که برخی افراد به انگیزه‌ی احساس تعلق داشتن و ملحق شدن به جامعه‌ای که به آن زبان صحبت می‌کنند، به یادگیری زبان خارجی روی می‌آورند. (الخولی، ۲۰۰۲: ۷۴) یا این‌که انگیزه برخی افراد، تجارت یا زیارت است که آن نیز در گروه انگیزه‌های نوع اول، جای می‌گیرد.

نکته مهم این است که برای معلم یا استاد زبان عربی، تنها موضوع حیاتی، وجود انگیزه‌ی لازم است و نوع انگیزه، نباید برایش، اهمیتی داشته باشد، به سخن دیگر، معلم نباید بین زبان‌آموزان بر مبنای انگیزه‌های آنان، تفاوت قائل شود، بلکه باید پس از شناخت انگیزه‌های آنان با یادآوری انگیزه هر فرد یا گروه، همت آنان را برانگیخته و با ترغیب و تشویق، زبان‌آموزان را به آموختن زبان عربی، امیدوار و دلگرم سازد و به آن‌ها یادآور شود که با یادگیری زبان دوم، سطح زندگی آنان بهتر شده و به اهداف و امیال خویش، نزدیک‌تر می‌شوند؛ بنابراین تنها موضوع حائز اهمیت برای معلم عربی این است که بتواند با بهره‌گیری از ابزار انگیزه، آموزش زبان عربی را توسعه دهد.

۴-۲-۲- نگرش‌ها: دومین بُعد از ابعاد روان‌شناختی که توجه به آن در آموزش زبان عربی، اهمیت دارد، نگرش‌ها است. امروزه در تعریف نگرش گفته می‌شود: نگرش که از طریق آموزش‌های اجتماعی تحقق می‌یابد، ترکیبی از باورها، گرایش‌ها یا احساسات مساعد و نامساعدی است که به آمادگی و تمایل فرد برای نشان دادن واکنش به شیوه‌ای نسبتاً ثابت به اشیا، اشخاص و رویدادهای خاص اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، نگرش‌ها عبارتند از: حالت‌های آمادگی فکری و ذهنی که از طریق تجارب فردی سازمان‌یافته و به‌منظور جهت‌دهی پاسخ فرد به امور و موقعیت‌های وابسته به آن، به کار می‌روند. (طعیمه، ۱۹۸۹: ۸۳)

این نگرش‌ها در زمینه آموزش زبان عربی، به‌عنوان یک زبان خارجی، در مواضع دانشجویان غیرعرب زبان، نسبت به زبان عربی، تجلی می‌یابد و میزان آمادگی فکری و ذهنی آنان برای یادگیری زبان عربی را مشخص می‌سازد. اینجاست که نوع نگرش افراد به این موضوع، اهمیت بسیار دارد و شناخت درست و توجه به آن، می‌تواند در این فرایند، بسیار اثرگذار باشد؛ زیرا نگرش‌ها و موضع‌گیری‌های افرادی که قصد یادگیری زبان عربی را دارند، گاهی مثبت است که در نتیجه، نقش مثبت و مؤثری در تمامی اجزای فرایند یاددهی یادگیری ایفا می‌کند و زمانی نیز منفی است که در این صورت، در بیشتر اوقات، نقش منفی را در امر یاددهی یادگیری بازی می‌کند.

نگرش مثبت افراد به زبان‌های خارجی، غالباً ماحصل علاقه‌مندی آنان به کامل نمودن فرایند ارتباط از طریق زبان موردنظر است. این بدان معنی است که در آموزش زبان‌های خارجی، میان نگرش‌ها و انگیزه‌ها، پیوندی محکم و ریشه‌دار وجود دارد. نتیجه این‌که در آموزش زبان عربی نیز، میزان علاقه‌مندی فراگیران به کسب توانایی ارتباط با زبان عربی، آنان را صاحب دید و نگرش مثبت نسبت به این زبان و آموختن و آموزش آن می‌نماید و از آنجاکه این نگرش‌ها در آموزش زبان عربی، برحسب موضوعات آن، تنوع و تعدد دارد، با استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران (طعیمه، ۱۹۸۹: با تصرف ۸۴) به ذکر آنان می‌پردازیم:

الف) نگرش فرد یادگیرنده نسبت به خود: مراد از این نگرش، میزان اعتماد زبان‌آموز به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خویش برای یادگیری زبان است. بدین معنی که فرد نسبت به توانایی‌های خویش در زمینه یادگیری زبان، شناخت کافی داشته باشد و از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعداد‌های درونی خویش آگاه باشد.

ب) نگرش زبان‌آموز نسبت به یادگیری زبان‌های خارجی به شکل عام: بدین معنی که دانش‌آموز یا دانشجو یا به‌طور عام‌تر زبان‌آموز، خود را در طول زندگی، تنها به برقراری ارتباط با هم‌وطنان و هم‌زبانانش محدود ننماید، بلکه به هدف‌آشنایی با جوامع دیگر و آموختن زبان آنان، پا را از این مرز، فراتر نهد. بی‌شک کسی که چنین دیدگاه و نگرشی داشته باشد، می‌تواند زبان عربی و هر زبان خارجی دیگر را یاد بگیرد و این‌گونه است که نقش نگرش انسان نسبت به موضوعی مورد مطالعه، بسیار مهم و اثرگذار است.

پ) نگرش و دید فرد یادگیرنده نسبت به زبان عربی: هدف از طرح این مورد و ضرورت توجه به آن، این است که بدانیم لزوماً هرکس نگرش مثبت و دید خوبی نسبت به یادگیری زبان‌های خارجی دارد، نمی‌تواند زبان عربی را نیز خوب فرا بگیرد؛ زیرا ممکن است، نگرش او نسبت به زبان عربی، منفی باشد و تمایلی به آموختن آن نداشته باشد، یا این‌که حتی مخالف یادگیری آن باشد؛ بنابراین تنها کسی می‌تواند زبان عربی را یاد بگیرد که نگاه و نگرشش نسبت به این زبان، مثبت باشد.

ت) نگرش زبان‌آموز نسبت به فرهنگ عربی: بدین معنی که یادگیرنده، نسبت به عرب‌زبانان و ارزش‌ها، تاریخ و آداب و سنن آنانچه نگرشی دارد؟ تردیدی نیست که اگر کسی به موارد مذکور، نگاه منفی داشته باشد، یادگیری زبان آن مردم، برایش سخت می‌شود؛ زیرا کاری برخلاف علائق خویش انجام می‌دهد و بالعکس، فردی که به فرهنگ عربی احترام می‌گذارد و برای آن ارزش قائل است، زبان عربی را سریع‌تر و راحت‌تر می‌آموزد؛ بنابراین پی‌بردن به نگرش زبان‌آموز و اصلاح آن در صورت نیاز، امری ضروری است. این امر برای من در طول دوران تدریس کاملاً مشهود بود. زمانی که رابطه ایران با عربستان یا دیگر کشورهای عربی، خوب نبود، فراگیران حسن‌بدی نسبت به درس عربی پیدا

می‌کردند و وقتی برایشان توضیح می‌دادم که زبان عربی، منحصر به عرب‌ها نیست، قدری شرایط بهتر می‌شد.

ث) نگرش و نگاه معلم نسبت به زبان و فرهنگ عربی: یکی دیگر از اصول مهم و حیاتی در این زمینه، این است که نگرش معلم یا استاد، به زبان و فرهنگ عربی، تأثیر بسیار زیادی، در شیوه و کیفیت آموزش آن دارد. بی‌تردید اگر معلم، به آنچه آموزش می‌دهد، باور نداشته یا نسبت به آن، بی‌علاقه باشد و این کار را صرفاً به‌عنوان یک شغل و از روی اجبار، انجام دهد، نه تنها همه تلاش خود را برای این کار انجام نمی‌دهد، بلکه به دلیل فاصله‌ای که بین حرف و عملش، احساس می‌شود، نمی‌تواند کلاس فعال و بانشاطی داشته باشد و در نتیجه آموزش زبان، درست و عمیق انجام نمی‌گیرد و این بی‌علاقگی به تدریج در فراگیران نیز اثر منفی خود را بر جای می‌گذارد. این موضوع جزو تجربیات شخصی نگارنده مقاله نیز بوده و تأثیر آن را به شکل واقعی بر مخاطبان خود در مدارس و دانشگاه‌ها دیده است. به یقین می‌توان گفت معلمانی که نگرش و موضع مثبتی نسبت به زبان و فرهنگ عربی دارند، می‌توانند فعالانه و بانشاط، آموزش زبان عربی را انجام داده و زمینه یادگیری آن را برای فراگیران تسهیل نمایند.

۴-۳- بُعد شخصیت: از مهم‌ترین ابعاد و جنبه‌هایی که به هیچ‌وجه نباید در آموزش زبان، نادیده گرفته شود، شخصیت زبان‌آموزان است؛ زیرا این بُعد، مستقیماً با شخصیت یادگیرنده ارتباط دارد و در فعالیت و نشاط علمی او بسیار مؤثر است. برون‌گرایی، درون‌گرایی و سازگاری از ویژگی‌های سازنده شخصیت انسان است؛ البته ویژگی‌های شخصیتی دیگری مانند پرخاشگری، حساسیت نسبت به دیگران، احترام به خود، اعتماد به نفس و ... نیز در فرایند آموزش کم‌وبیش، اثرگذارند. عموماً برون‌گرا به فردی گفته می‌شود که می‌توان او را با برجسب‌هایی مثل خوش‌برخورد، نترس، حراف و مردم‌جوش معرفی کرد، درحالی‌که فرد درون‌گرا به احتمال زیاد کم‌حرف، کم‌رو، آرام و گوشه‌گیر به نظر می‌رسد.

در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسد که افراد برون‌گرا در یادگیری زبان دوم از درون‌گراها مستعدترند، اما شواهد موجود نشان می‌دهد در این زمینه، نمی‌توان با قاطعیت نظر داد. با همه این اوصاف، به‌طور کلی می‌توان گفت، از آنجاکه یادگیری زبان دوم مستلزم تمرین و صحبت کردن در کلاس و محیط‌های بیرون است، طبیعی است که دانش‌آموز برون‌گرا، به جهت این‌که در برقراری ارتباط با دیگران موفق‌تر است، این مسیر را سریع‌تر می‌پیماید. البته بُعد شخصیت، ویژگی‌های متعدّد دیگری را نیز شامل می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۴-۳-۱- تفاوت‌های فردی: از جمله مواردی که همگان بر آن اتفاق نظر دارند، وجود تفاوت‌های

فردی در بُعد روانی، شناختی و ... است. این تفاوت‌ها در فرایند یاددهی - یادگیری زبان عربی، بسیار ویژه و متمایز است؛ زیرا آموختن و آموزش زبان عربی، با تمامی ابعاد و جوانب انسان ارتباط دارد و از فردی به فرد دیگر، تفاوت می‌کند؛ بنابراین توجه به تفاوت‌های فردی و رعایت آن در فرایند آموزش زبان عربی، به‌منظور خدمت بهتر و بیشتر به کسانی که به دنبال یادگیری زبان عربی هستند، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

الف) جنبه‌های تفاوت‌های فردی: در زمینه تفاوت‌های فردی بین فراگیران زبان عربی، جنبه‌های متعدّدی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: نوع یا جنس آنان (دختر یا پسر)، آگاهی قبلی و پیش‌زمینه نسبت به زبان عربی، نزدیکی میان زبان مادری و زبان عربی، تسلط کامل به زبان اول (مادری)، عوامل شخصیتی از قبیل وسعت نگاه، پذیرش دیگران، روشن بودن اهداف، استعداد یادگیری زبان، نگرش آنان نسبت به زبان و فرهنگ عربی، انگیزه آموختن زبان عربی، قدرت یادگیری، روش یادگیری، میزان هوش، مقدار مسئولینت‌پذیری، آمادگی برای کار گروهی، داشتن آمادگی برای پذیرش اشتباهات، روش گفتگو و مکالمه و شرایط اجتماعی. (طعیمه، ۱۹۸۹: ۸۶، تصرف)

ب) استراتژی‌ها و راهکارهای روبرو شدن با تفاوت‌های فردی: هنگام برخورد با تفاوت‌های فردی زبان‌آموزان، استراتژی‌ها و راهکارهایی وجود دارد که معلم یا استاد عربی، باید از آن استفاده نماید. مهم‌ترین این راهکارها به شرح زیر است:

- ۱- درک و پذیرش کامل وجود تفاوت‌های فردی میان زبان‌آموزان و بروز آن در هر زمینه‌ای.
 - ۲- شناخت میزان دقیق تفاوت‌های فردی موجود میان یادگیرندگان، قبل از آغاز فرایند آموزش که این امر از طریق همنشینی، همراهی و گفتگو با آنان و یا به‌وسیله انجام یکی از تست‌های هوش، امکان‌پذیر است. (اسماعیل، بی‌تا: ۲۳)
 - ۳- طراحی تجربه‌های آموزشی متنوعی که درک و دریافتش برای هر یادگیرنده‌ای امکان‌پذیر باشد.
 - ۴- به‌کارگیری ابزارها و وسایل آموزشی گوناگون که تفاوت‌های موجود بین یادگیرندگان را در روش یادگیری پوشش دهد.
 - ۵- رعایت میانه‌روی و اعتدال در تبیین اندیشه‌ها تا برای همه یادگیرندگان قابل‌فهم باشد.
 - ۶- فراهم آوردن مجموعه‌ای از تمرینات آموزشی و فعالیت‌های عملی با سطوح متفاوت به‌گونه‌ای که هریک از آن تمرینات یا فعالیت‌ها با گروهی از زبان‌آموزان تناسب داشته باشد.
 - ۷- تنوع بخشیدن به تکلیف‌های درسی خارج از کلاس، به روشی که برای هر گروه از زبان‌آموزان، تکلیف مناسب آن، ارائه شود.
 - ۸- طراحی سؤالات امتحانی به‌گونه‌ای باشد که امکان انتخاب سؤال متناسب با مهارت هریک از فراگیران، فراهم گردد.
- ۴-۳-۲- سن یادگیرندگان: یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیتی که زمینه تفاوت بین زبان‌آموزان را فراهم می‌آورد، سن است؛ زیرا تفاوت سن به تفاوت سطح یادگیری و اختلاف میزان توانایی افراد در یادگیری زبان منجر می‌شود. البته این سخن بدان معنی نیست که افراد هم سن و سال یا «کسانی تفاوت سنی کمی دارند، از نظر توانایی یادگیری، شبیه یکدیگرند؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، علاوه بر سن، تفاوت‌های فردی و شخصیتی دیگری نیز بین افراد وجود دارد» (محمود کامل و طعیمه: ۳۲)
- بنابراین موضوع مهم و اساسی، تعیین سن مناسب برای یادگیری زبان خارجی است. به این معنی که

کمی یا زیادی سنّ یک عامل مهم در کیفیت یادگیری زبان است. البته دانشمندان در زمینه سنّ مناسب برای یادگیری زبان‌های خارجی، اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند، آموزش زبان در سنین پایین، بسیار سریع‌تر و عمیق‌تر صورت می‌گیرد و استعداد یادگیری زبان در کودکان بیش از بزرگسالان است، اما بعضی دیگر بالعکس بر این باورند که یادگیری زبان در سنین بالاتر، بهتر صورت می‌گیرد، به این دلیل که بزرگسالان در زبان‌آموزی، از کودکان تواناترند. (قاسمی، ۱۹۷۹: ۶۲-۷۵ با تصرف)

نتیجه این‌که در بحث آموزش زبان عربی به‌عنوان یک زبان خارجی، موضوع سنّ نباید نادیده گرفته شود؛ زیرا سنّ در بروز تفاوت‌های فردی نقش اساسی دارد و رعایت این مسئله در فرایند آموزش زبان، ضروری است. البته این موضوع در مدارس و دانشگاه تا حدی رعایت می‌شود و افرادی که در یک کلاس حضور می‌یابند، تفاوت سنّی زیادی ندارند، اما در مراکز غیررسمی که افراد با سنین متفاوت و به انگیزه‌ها و دلایل گوناگون، به یادگیری زبان عربی روی می‌آورند، توجه به این امر ضرورت دارد.

۵- نتیجه پژوهش:

پژوهش حاضر نشان داد حوزه روان‌شناسی آموزش زبان عربی، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با ابعاد روان‌شناختی، شخصیتی و استراتژیک زبان‌آموزان، ارتباط دارد و این جنبه‌های سه‌گانه، تمام آنچه را که زائیده شخصیت فراگیران است و نیز توانمندی‌های درونی و تاکتیک‌ها و راهکارهایی که هنگام یادگیری زبان به آن، روی می‌آورند را پوشش می‌دهد. از این رو، لازم است تمامی معلمان و استادان و همه کسانی که به آموزش و آموختن این زبان خارجی، اشتغال دارند، به‌گونه‌ای عمل نمایند که فرایند یاددهی-یادگیری زبان عربی برای یادگیرندگان، توأم با نشاط، به شکل فعال و همراه با علاقه‌مندی صورت گیرد و زبان‌آموزان را از نظر روحی روانی، خسته و دل‌زده نکند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود قبل از آغاز فرایند آموزش، به انگیزه‌های افراد و نگرش آنان نسبت به زبان عربی و نیز میزان توانایی و استعداد فراگیران توجه شده و علاوه بر آن، عامل سنّ و تفاوت‌های فردی یادگیرندگان نیز نه‌تنها نادیده گرفته نشود، بلکه آموزش بر مبنای شناخت دقیق آن، شکل گیرد. ضمن این‌که توصیه

می‌شود از الگوها و روش‌های متنوع آموزشی و متناسب با فراگیران و تمرینات و تکالیف متعدد در سطوح مختلف استفاده شود و راهکارهای پیشنهادی مربوط به تفاوت‌های فردی نیز، مطالعه و اجرا گردد.

پی‌نوشت:

۱- Motivations.

۲- Instrumental motivations

۳- Integrative motivations.

منابع:

احمد منصور، سید عبدالمجید (۱۹۸۲ م)، علم اللغة النفسی، ریاض، نشر مرکز شؤون مکتبات جامعه ملک سعود.

اسماعیل، نبیه ابراهیم، بی تا الأساس النفسیة لتعلیم اللغة العربیة للناطقین بغيرها، مکتبه الأنجلو المصریة.

خولی، محمدعلی (۱۹۸۹ م)، أسالیب تدريس اللغة العربیة، الطبع الثالث، الیاض.

خولی، محمدعلی (۲۰۰۲ م)، الحیة مع لغتین، اردن، دار الفلاح للنشر و التوزیع.

داگلاس براون (۱۹۹۴ م)، أسس تعلم اللغة وتعلیمها، ترجمة عبده الراجحی و علی أحمد شعبان، بیروت، دار النهضة العربیة.

رابرت فرانکن (۱۳۸۴)، ترجمه شمس اسفندآباد، حسن و همکاران انگیزش و هیجان، تهران، نشر نی.

سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، تهران، نشر دوران.

شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۸)، مبانی روان‌شناختی تربیت، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

طعیمه، رشدی أحمد (۱۹۸۹ م)، *تعلیم اللغة العربیة لغير الناطقین بها: مناهجه وأسالیبه، آیسسکو، رباط، المنظمه الإسلامیة للتربیة و العلوم و الثقافه*.

قاسمی، علی‌محمد (۱۹۷۹ م)، *اتجاهات حديثة فی تعلیم العربیة للناطقین باللغات الأخری، مرکز شؤون مکتبات جامعه ریاض*.

محمود کامل، الناقه و طعیمه، رشدی أحمد (۱۹۸۳ م)، *الکتاب الأساسی لتعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخری: إعداده-تحلیله-تقویمه، مکه مکرمه، جامعه أم القری*.